

نصیحت یک برادر

¹⁵ و اگر برادرت به تو گناه کرده باشد، برو و او را میان خود و او در خلوت الزام کن. هرگاه سخن تو را گوش گرفت، برادر خود را دریافتی؛¹⁶ و اگر نشنود، یک یا دو نفر دیگر با خود بردار تا از زبان دو یا سه شاهد، هر سخنی ثابت شود.¹⁷ و اگر سخن ایشان را رد کند، به کلیسا بگو. و اگر کلیسا را قبول نکند، در نزد تو مثل خارجی یا باجگیر باشد.¹⁸ هرآینه به شما می‌گویم: آنچه بر زمین بندید، در آسمان بسته شده باشد و آنچه بر زمین گشایید، در آسمان گشوده شده باشد.¹⁹ باز به شما می‌گویم: هر گاه دو نفر از شما در زمین درباره هر چه که بخواهند متفق شوند، هرآینه از جانب پدر من که در آسمان است برای ایشان کرده خواهد شد.²⁰ زیرا جایی که دو یا سه نفر به اسم من جمع شوند، آنجا در میان ایشان حاضرم.

بخشش گناه کاران

²¹ آنگاه پطرس نزد او آمده، گفت: خداوند، چند مرتبه برادرم به من خطا ورزد، می‌باید او را آمرزید؟ آیا تا هفت مرتبه؟²² عیسی بدو گفت: تو را نمی‌گویم تا هفت مرتبه، بلکه تا هفتاد و هفت مرتبه!²³ از آن جهت ملکوت آسمان پادشاهی را مانند که با غلامان خود اراده محاسبه داشت.²⁴ و چون شروع به حساب نمود، شخصی را نزد او آوردند که ده هزار قنطار به او بدهکار بود.²⁵ و چون چیزی نداشت که ادا نماید، آقایش امر کرد که او را با زن و فرزندانش و تمام مایملک او فروخته، طلب را وصول کنند.²⁶ پس آن غلام رو به زمین نهاده او را پرستش نمود و گفت: ای آقا، مرا مهلت ده تا همه را به تو ادا کنم.²⁷ آنگاه آقای آن غلام بر وی ترحم نموده، او را رها کرد و قرض او را بخشید.²⁸ لیکن چون آن غلام بیرون رفت، یکی از همقطاران خود را یافت که از او صد دینار طلب داشت. او را بگرفت و گلویش را فشرده، گفت: طلب مرا ادا کن!²⁹ پس آن همقطار بر پایهای او افتاده، التماس نموده، گفت: مرا مهلت ده تا همه را به تو رد کنم.³⁰ اما او قبول نکرد، بلکه رفته، او را در زندان انداخت تا قرض را ادا کند.³¹ چون همقطاران وی این وقایع را دیدند، بسیار غمگین شده، رفتند و آنچه شده

چه کسی بزرگتر است

¹ در همان ساعت، شاگردان نزد عیسی آمده، گفتند: چه کسی در ملکوت آسمان بزرگتر است؟² آنگاه عیسی طفلی طلب نموده، در میان ایشان برپا داشت³ و گفت: هرآینه به شما می‌گویم: تا بازگشت نکنید و مثل طفل کوچک نشوید، هرگز داخل ملکوت آسمان نخواهید شد.⁴ پس هر که مثل این بچه کوچک خود را فروتن سازد، همان در ملکوت آسمان بزرگتر است.⁵ و کسی که چنین طفلی را به اسم من قبول کند، مرا پذیرفته است.

هشدار عیسی در مورد وسوسه گناه

⁶ و هر که یکی از این صغار را که به من ایمان دارند، لغزش دهد او را بهتر می‌بود که سنگ آسیابی بر گردنش آویخته، در قعر دریا غرق می‌شد! وای بر این جهان به سبب لغزشها؛ زیرا که لابد است از وقوع لغزشها، لیکن وای بر کسی که سبب لغزش باشد.⁸ پس اگر دستت یا پایت تو را بلغزند، آن را قطع کرده، از خود دور انداز زیرا تو را بهتر است که لنگ یا شل داخل حیات شوی از آنکه با دو دست یا دو پا در نار جاودانی افکنده شوی.⁹ و اگر چشمت تو را لغزش دهد، آن را قلع کرده، از خود دور انداز زیرا تو را بهتر است با یک چشم وارد حیات شوی، از اینکه با دو چشم در آتش جهنم افکنده شوی.¹⁰ زهار یکی از این صغار را حقیر بشمارید، زیرا شما را می‌گویم: که ملائکه ایشان دائماً در آسمان روی پدر مرا که در آسمان است می‌بینند.¹¹ زیرا که پسر انسان آمده است تا گم شده را نجات بخشد.

مثل گوسفند گمشده

¹² شما چه گمان می‌برید؟ اگر کسی را صد گوسفند باشد و یکی از آنها گم شود، آیا آن نود و نه را به کوهسار نمی‌گذارد و به جستجوی آن گم شده نمی‌رود؟¹³ و اگر اتفاقاً آن را دریابد، هرآینه به شما می‌گویم: بر آن یکی بیشتر شادی می‌کند از آن نود و نه که گم نشده‌اند.¹⁴ همچنین اراده پدر شما که در آسمان است این نیست که یکی از این کوچکان هلاک گردد.

تو رحم کردم؟³⁴ پس مولای او در غضب شده، او را به
 جلاّدان سپرد تا تمام قرض را بدهد.³⁵ به همینطور پدر
 آسمانی من نیز با شما عمل خواهد نمود، اگر هر یکی
 از شما برادر خود را از دل نبخشد.

بود به آقای خود باز گفتند.³² آنگاه مولایش او را
 طلبیده، گفت: ای غلام شریر، آیا تمام آن قرض را
 محض خواهش تو به تو بخشیدم؟³³ پس آیا تو را نیز
 لازم نبود که بر همقطار خود رحم کنی چنانکه من بر